یادداشت

چشم‌انداز ۲۰۲۰؛ عصر مدیران تیزهوش

در سال ۱۹۸۲ وقتی ریدلی اسکات، فیلم‌ساز برینتخیلی، شاهکارش را که فیلم علمی تخیلی «هوندو روی تیغ» (Blade Runner) بود ساخت، دیدگاهی را از آینده به تصویر کشید که در سال ۲۰۱۹ متعکس بود: دیدگاهی از جامعه‌ای خیالی پر از ویژگی‌های متفکی که ناخواه هیچ انسانی نیست و به آن «پادآرمان‌شهر» می‌گویند. این فیلم، شهری را نشان می‌دهد که از تظر تکنولوژی فوق پیشرفته است. اما تغییرات اقلیمی آن را ویران کرده است. فیلم با تصویر بستهای از چشم قهرمان اصلی شروع می‌شود که ماموریت دارد گروهی از آدم‌های مصنوعی را تعقیب و شناسایی و با تهدیدشان مقابله کند. او تمی‌داند دشمنی هم توسط همان شرکتی که این آدم مصنوعی‌ها را ساخته زیست‌مهندسی شده است. این فیلم، تیرهای قدرتمندی از هویت شخصی، فتایلیزری و خطرات تکنولوژی‌های بزرگ و پیشرفته را مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین به کاوش در دنیایی می‌پردازد که روی لبه تاریکی و ابهام و مرموز واقعیت و حقیقت، در مورد آنچه ساختگی و آنچه واقعی است، شکل گرفته است. آیا در این چشم‌انداز از سال ۲۰۱۹، چیزهای آشنایی وجود داشت؟

شوق پادآرمان‌شهری یا بهترین سال تاریخ؟ طی چند سال گذشته، هر لحظه‌ای که به صورت آنلاین گذشته، توعی شوق پادآرمان‌شهری ایجاد کرده است. اما آیا وضعیت موجود واقعا در تضاد با آرمان شهر است و آنقدر بد است؟ مت ریدلی روزنامه‌نگار می‌گوید: «ما در دوران بزرگترین پیشرفت‌های استانداردهای زندگی بشر در طول تاریخ زندگی می‌کنیم.» او در ادامه می‌تویسد که فقر شدید برای اولین بار به کمتر از ۱۰ درصد کل جمعیت جهان کاهش یافته است. این رقم، ۶۰ سال پیش، ۶۰ درصد بود. تابرابری جهانی با سرعت گرفتن رشد اقتصادی آفریقا و آسیا کمتر شده است. مرگ‌ومیر نوزادان به کمترین رکوردهای خود رسیده، قحطی تقریبا ریشه‌کن شده و بیماری‌هایی مثل ملاریا و فلج اطفال در کمترین حد خود مشاهده می‌شوند. اما وجه مشترک اخبار و تظرات سیاسی در سال ۲۰۱۹ توصیف جامعه‌ای بود که باعث می‌شود دنیای قهرمان فیلم مذکور باشکوه و قابل اطمینان به تظر برسد. در این سال، بیشتر روزها با اتفاق‌های بدسیاسی، خبرهای گرمایش زمین، رسوایی‌های اخلاقی مدیران شرکت‌های بزرگ، فرارهای مالیاتی این شرکت‌ها و خبرهای جملی در مورد واقعیت‌های تکنولوژی پیشرفته گذشت. در واقع، سال‌های توجوانی قرن حاضر، خسته‌کننده و با احساسات بد همراه شده است.

اما چشم‌انداز ۲۰۲۰ چیست؟ شروع دهه جدید، چه چیزی برای دنیا و به‌ویژه رهبران کسب‌وکار دارد؟ ما همین الان هم انتظارات بزرگی از رهبران کسب‌وکار داریم که فقط مربوط به قابلیت‌های مدیریتی تیست، بلکه شخصیت مدیریتی آنها را هم دربرمی‌گیرد. این روزها همه جا بر است از مقالاتی که می‌گویند مدیران باید صادق و عادل باشند. علاقه شدید به تکنولوژی داشته باشند. هدفمند باشند و در ضمن تصمیم‌گیرنده‌هایی سخت‌گیر همراه با چابکی و فروتنی و اعتبارآفرینی باشند. ویژگی دیگری که با توجه به اتفاقات دهه گذشته باید به این لیست اضافه کرد، این است که مدیران خوب در دهه ۲۰۲۰ باید تیزهوش باشند.

تیزهوشی مدیران یعتی چه؟ تیزهوشی به خودی خودی یک کلمه دوست‌داشتنی است. دیکشتری آکسفورد این کلمه را «ذکاوت و تیزی افکار، دیدگاه یا شنیدار» معتی کرده است. اما کاربرد این کلمه گسترده‌تر از این است و تیزی ادراک و قدرت بالای حس کردن، دقت و تشخیص خوب در پذیرش بصری و شتیداری را اقا می‌کند. این مفهوم به طور گسترده‌تر یعتی مدیران باید در درک، تفسیر و توصیف دنیای دیگران، دقت و توجه بیشتری به خرج دهند. به این تکته توجه کنید که بر خلاف دیگر ویژگی‌های مدیریتی، این ویژگی هم بر تحوه دریافت و هم بر تحوه انتقال تمرکز دارد. یعتی مدیران تیزهوش هم باید خوب بتتوند و هم باید بتوانند افکار و دیدگاه‌های خود را به خوبی با دیگران به اشتراک بگذارند در دنیایی که در حال سرمایه‌گذاری در داده‌های بزرگ، هوش مصنوعی و تجزیه و تحلیل رفتار مشتری است، بروش تیزهوشی مدیران متحق بیشتری پیدا می‌کند. تیزهوشی و معمای اعتمادآفرینی: در چتین فضایی، تشخیص آنچه واقعا ارزشمند است و آنچه بیشتر سر و صدای رسانه‌ها به تظر می‌آید، برای همه چالش ایجاد می‌کند: نه فقط برای مدیران مدرن، در دنیایی که داده‌های بزرگ تعیین‌کننده رفتارها هستند، خبرهای جملی همه گیرمی‌شوند. اعتمادآفرینی در قلب مسائل قرار می‌گیرد. آمارها تتان می‌دهد سطح اعتماد در همه موسسات و کسب‌وکارها در سطح دنیا طی سال‌های اخیر کاهش یافته است.

ریچل باتسمن (Rachel Botsman) در کتاب «فوق‌العاده خود به تام خود» چه کسی می‌توانید اعتماد کنید؟ تتان می‌دهد که یک تظام جهانی تازه در حال شکل‌گیری است که در آن مردم اعتماد خود را به موسسات و شرکت‌ها و مدیران آنها از دست داده‌اند و در عوض به عصر «توزیع اعتماد» روی آورده‌اند که در آن میلیون‌ها تفر خته‌های خود را با تریبه‌ها به اشتراک می‌گذارند. ارزهای دیجیتال را به صورت اینترنتی تبادل می‌کنند یا یک‌بات سرگرم‌کننده را جایگزین می‌کنند. ممکن است ما به بلنک‌فرم‌های رسانه‌ای اعتماد نکتیم، اما تظر یه‌ها و پیام‌های صوتی روی این پلنک‌فرم‌ها را می‌پذیریم. رمزگشایی از این معما به تیزهوشی زیادی تیاز دارد. برای مدیرانی که تلاش می‌کنند سازمان‌ها را از تغییرات سریع عبور دهند، تیزهوش بودن یک ابزار قدرت است. تصمیم‌گیری در مورد استراتژی‌های آینده، گزینه‌های بازاریابی، یا یک هدف جدید برای شرکت، به ملاحظات دقیقی تیاز دارد. اما باید با راستی‌تمایی هدایت شود و با عقیده راسخ به دیگران متتقل شود.

روش‌هایی وجود دارد که مدیران می‌توانند این میزان دقت را انگیزه‌ای کتند و تیزهوشی آنها برای دیگران واضح‌تر باشد. به عتوان مثال، آنهایی که دنیا را با بیشترین شفافیت می‌بینند، زمان بیشتری را به کشف آن از درون چشم‌ها و گوش‌های دیگران اختصاص می‌دهند. با ورود به یک دهه جدید، باید خودمان را برای ابرهای تیره و ابهامات شدید آماده کتیم. در میان این سر و صداها، مدیران تیزهوش، در رفتار و گفتار خود صداقت دارند. در دسترس هستند. حضور فعال در مجامع داخلی و خارجی مختلف دارند. به خوبی ارتباط برقرار می‌کنند و مشکلی با تتوع‌پذیری و اختلاف عقیده ندارند. آنها برای کشف ابهامات زمان می‌گذارند و بعد از مدتی که بازتاب آن را دیدند، به روش‌های واضح‌تری از چالش‌های آینده عبور می‌کنند.

نویسنده: جان دور
مترجم: مریم رضایی

بضاعتی پور خبر داد:

جداسازی آب شرب از آب خام در ۱۷۰ هکتار از فضای سبز کرج

به گزارش پیام آشنا، پیمان بضاعتی پور گفت: از دیاد جمعیت در شهرها نیاز به افزایش پوشش فضای سبز در عرصه های شهری را بسیار مهم کرده است و از سویی دیگر تامین آب این دسته از فضا ها و اجرای الگوی مصرف آب در آبیاری فضای سبز از دغدغه های مدیریت شهری است.

او استفاده از روش های نوین آبیاری را گامی موثر در بهبود کیفیت فضای سبز و افزایش بهره وری از منابع آبی دانسته و افزود: برای حفظ و توسعه فضای سبز سطح شهر کرج و حاشیه پیرامونی و تامین آب پایدار از سال ۸۶ پروژه تفکیک سامانه‌ی آب شرب از فضای سبز کلید خورده و در مجموع تاکنون بالغ بر ۳۰۰ کیلومتر خطوط انشعاب آب شرب و توزیع متوازن آب خام به اجرا در آمده است.

وی کاهش میزان بارندگی در چند سال گذشته و رشد مصرف آب در شهرها را عامل مهمی جهت هر چه سریعتر اجرا کردن توسعه شبکه انتقال و توزیع آب خام فضای سبز دانسته و گفت: در سال جاری با هدف تامین آب خام جنگلکاری های پیرامون شهر و حذف آب شرب از عرصه های فضای سبز داخل شهر، نسبت به اجرای خطوط انتقال آب در جنگلکاری باغستان و بلوار باغستان در منطقه ۶، بلوار لرم، امیر کبیر و الغدیر در منطقه ۳، بوستان جهان نما در منطقه ۱۰ و - به متراژ بیش از ۱۳۰۰۰ متر با لوله های پلی اتیلن ۲۰۰، ۱۶۰، ۱۲۵ و ۱۱۰ میلیمتر اقدام شده و این فعالیت ها در نهایت منجر به تامین آب خام حدود ۱۷۰ هکتار از فضای سبز سطح شهر و حاشیه پیرامونی و حذف آب شرب از این عرصه ها شده است.

بضاعتی پور محدودیت در تامین منابع آبی را یکی از مشکلات توسعه فضای سبز دانسته و افزود: حدود ۲/۳ از شهرهای کشور در مناطق خشک و نیمه خشک قرار دارند که تامین منابع آبی جدید از جمله پارامترهایی است که در طراحی سامانه انتقال و توزیع آب خام و آبیاری فضای سبز باید در نظر گرفت.

رئیس سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهرداری کرج، ایجاد سامانه های آبرسانی و آبیاری فضای سبز را ضروری دانست و تصریح کرد: در حال حاضر خط انتقال آب بلوار باهنر از بلوار باغستان تا بلوار گلدشت با لوله پلی اتیلن ۱۶۰ میلیمتر به طول سه هزار و ۱۰۰ متر با هدف تامین آب خام بخشی از عرصه های فضای سبز منطقه ۶ در حال انجام است که امیدواریم با مطالعات انجام شده و اقدامات اجرایی بتوان سیستم انتقال آب خام جهت آبرسانی فضای سبز در شهر کرج را افزایش داد.

کلیشه‌های حفاظت از محیط زیست کجا ساخته می‌شوند

به گزارش پیام آشنا به نقل از شهروند آنلاین، شکل زندگی مردم شهری امکان مواجهه مستقیم با طبیعت را گرفته، حتی درخت‌ها هم یا قامت بلند و دودگرفته‌شان و ریشه‌هایی که به جوی‌های خیابان‌ها می‌رسد، شهری شده‌اند. بسیاری از مردم ارتباطی را که دیگر با طبیعت ندارند، با حیوانات خیابانی برقرار می‌کنند. گروهی از مردم باقی‌مانده غذایشان را برای این حیوانات کنار می‌گذارند و با آنها مثل میهمان‌هایی در شهرشان رفتار می‌کنند و سگ‌ها و گربه‌ها هم کم‌کم شهری می‌شوند. گروهی دیگر معتقدند به جز مواقع سرد سال نباید به سگ‌ها و گربه‌ها غذا داد و سیستم طبیعت را به هم زد. گروه اول، آدم‌های دوستدار طبیعت شناخته می‌شوند. مثل مردمی که در برنامه‌هایی منظم به کوه‌ها و دشت‌ها می‌روند تا زباله‌ها را جمع کنند. آنها هم حافظان محیط‌زیست هستند. اما کسی نمی‌پرسد این زباله‌ها قرار است درنهایت کجا بروند؟ چون دو راه بیشتر وجود ندارد، یا شما به طبیعت اهمیت می‌دهید، می‌روید زباله جمع می‌کنید و به حیوانات غذا می‌دهید یا به طبیعت بی‌توجه هستید و با این کارها مخالفت می‌کنید وصدای کسانی که به پیچیدگی طبیعت اشاره می‌کنند، شنیده نمی‌شود.

پیچیدگی‌های نادیده

کدام آموزش؟ این پاسخ یکی از فعالان محیط‌زیستی به آموزش‌های عمومی حفاظت از محیط‌زیست در ایران است. مینا استقامت می‌گوید آموزشی صورت نمی‌گیرد و بخش آموزش‌های عمومی را باید رسانه‌ها انجام دهند، اگر هم سازمان‌های مردم‌نهاد وظیفه داشته باشند، باید از آنها حمایت شود. مدیرعامل مرکز حفظ و توسعه زیست بوم‌های پایدار می‌گوید ما خودمان منتقد آموزش‌هایی هستیم که در ایران برای حفاظت صورت می‌گیرد: «اداره آموزش و ترویج در سازمان جنگل‌ها و محیط‌زیست وظیفه اصلی را برعهده دارند، ولی شما دیدید آیتم آموزش و ترویج در کشور می‌توانید مثال بزنید که این سازمان‌ها بانی آن بودند؟ سازمان جهاد کشاورزی که از همه مهم‌تر است الان تبدیل به بنگاه فروش سم و کود شده و خودش هم می‌گوید این را نخرید سم دارد، اما کار ترویجی انجام نمی‌دهد. سازمان محیط‌زیست که باید ۲۰ درصد تبلیغات رسانه‌ای و بیلبوردهای کشور دست آن باشد، فقط یک بیلبورد در پردیسان گذاشته که آلودگی هوا را نشان می‌دهد.

سازمان جنگل‌ها که ۹۰ درصد عرصه‌های کشور را در دست دارد، فقط هفته منابع طبیعی فراخوان می‌دهد که هر کسی می‌خواهد نهال بکارد و اصلا برایش مهم نیست نهال بومی باشد یا نباشد، عرصه کجا باشد، نگهداری شود یا نشود» با وجود این انتقادها، آموزش‌هایی به صورت مستقیم و غیرمستقیم درباره حفاظت از محیط‌زیست در ایران صورت می‌گیرد. بار عمده این آموزش‌ها هم بر دوش سازمان‌های مردم‌نهاد است، چنانکه به گفته محمد درویش، مدیرکل سابق دفتر مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط‌زیست درحال حاضر در ایران درباره مهار آتش‌سوزی در جنگل‌ها، اهمیت و حفظ تنوع زیستی، جلوگیری از شکار بی‌رویه، پسماند و تفکیک زباله از مبدأ آموزش‌های عمومی داده می‌شود. اما درویش به تمرکز این آموزش‌ها بر تغییر رفتارهای فردی به جای تغییر در سیاست‌های کلان انتقاد دارد: «مشکلات محیط‌زیست با بیشتر حاکمیتی است. اگر ما دچار آلودگی هوا هستیم، مسئولان از جایگزین‌های خودروشخصی حمایت نمی‌کنند.» درویش مردود می‌داند: «سازمان محیط‌زیست به صورت کاملا موضعی به این موضوع می‌پردازد. بودجه اندکی هم دارد و با این بودجه کاری نمی‌شود انجام داد. بزرگترین انتقاد به این سازمان این است که فرصت گسترش مدارس طبیعت را از بین برد.» او می‌گوید آموزش‌ها باید از کودکی شروع شوند.

حفاظت از محیط زیست در کلاس درس

بخش مهمی از دوره کودکی و نوجوانی افراد در نظام آموزش‌وپرورش شکل می‌گیرد و پرسش بعدی این است که کودکان و نوجوانان چقدر در فضاهای آموزشی با مفاهیم محیط‌زیستی آشنا می‌شوند. تغییر محتوای کتب درسی و پررنگ‌شدن مفاهیم محیط‌زیست در اسناد بالادستی نظام آموزش‌وپرورش نشان می‌دهد که آموزش‌وپرورش نسبت به حفاظت از محیط‌زیست حساسیت دارد. این سازمان سال ۹۵ از دیگر سازمان‌های دولتی پیشی گرفت و جایزه ملی محیط‌زیست را دریافت کرد. دفتر انتشارات و فناوری آموزشی وزارت آموزش‌وپرورش در پژوهشی آموزش محیط‌زیست در کتاب‌های علوم دوره اول ابتدایی را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده که به ایجاد حساسیت، آگاهی از محیط‌زیست و نگرانی‌های مرتبط با این موضوع بسیار خوب پرداخته شده است. اما همین پژوهش می‌گوید کتاب‌ها توانایی حل چالش‌های محیط‌زیستی را به دانش‌آموزان یاد نمی‌دهند و در عمل آنها را ترغیب نمی‌کنند: «ایجاد و تقویت تفکر خلاق و انتقادی برای علت‌یابی چالش‌ها و مسائل زیست‌محیطی موجود در مدرسه، خانه، کوچه، خیابان و محل زندگی، ارایه راه‌حل و مشارکت‌دادن دانش‌آموزان در فعالیت‌هایی که منجر به حل موارد فوق بوده، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.» این آموزش‌ها ساده و سرراست هستند و از پیچیدگی‌های طبیعت که باعث می‌شود کاری که به نظر در یک جا درست باشد، در جای دیگری غلط باشد، چیزی به دانش‌آموزان نمی‌گویند.

در آموزش محیط‌زیست دانش کفایت‌نمی‌کند، مهارتی که باید در عمل به دست بیاید، با تجربه عملی دانش‌آموزان محقق می‌شود. درویش در این زمینه اتفاقا وجود این آموزش‌ها در کتاب‌های درسی را مفید نمی‌داند: «این آموزش‌های تحمیلی موجب دلزدگی بچه‌ها می‌شود. اتفاقا آموزش حفاظت نباید در قالب متون درسی باشد، بلکه باید داوطلبانه و جذاب باشد. از آن گذشته، شکل ساختاری مدرسه باید به نحوی باشد که نشان دهد به حفظ محیط‌زیست اهمیت می‌دهد. مدرسه‌ای که شیرهای هوشمند و شیشه دوجداره دارد، در آن تفکیک زباله انجام می‌شود و معلم‌ها و بچه‌ها با دوچرخه رفت‌وآمد می‌کنند.» این کتاب‌ها البته منتقدان جدی‌تری هم دارند. برای نمونه به بخش سدسازی در کتاب انسان و محیط‌زیست مخصوص پایه یازدهم اعتراض دارند. در این کتاب آمده است: «سدسازی یک اقدام ملی ضروری است.» و دانش‌آموزان را با پیچیدگی‌های این پدیده آشنا نمی‌کند. بحث تخصص معلمانی که این کتاب را تدریس می‌کنند هم اعتراض دیگری است.

زشت و زیبا، سیاه و سفید

وقتی پیچیدگی‌های طبیعت و حفاظت در کتاب‌ها و آموزش‌های عمومی آموزش داده نشود، کلیشه‌سازی و سادەسازی جای آنها را می‌گیرد و انگاره‌های غلط مردم را به بیراهه می‌برند. کلیشه‌سازی‌ها باعث می‌شوند به تیمات بلندمدت کاری که در حق طبیعت می‌کنیم، توجه نکنیم. مینا استقامت انگاره‌های اشتباه را راهکاری برای سرپوش گذاشتن بر سوءمدیریت می‌داند، انگاره‌هایی که بین مدیران این حوزه فراوان است، مثال او درباره تعریف اکوسیستم است: «اکوسیستم مجموعه‌ای از موجودات زنده است که انسان هم یکی از آنهاست، ولی ما انسان را در رأس هرم موجودات زنده در نظر می‌گیریم. همین گزاره «انسان اشرف مخلوقات» باعث یک‌سری از تصمیمات می‌شود. نمونه دیگر موضوع آبخیزداری است که حرف اول مدیریت منابع طبیعی را در دنیا می‌زند. اما ما آن را درست نفهمیده‌ایم. ما بحران آب داریم و باید از قطره‌قطره آبی که هدر می‌رود، استفاده کنیم، ولی رودها را خفه کردەایم و هر بارانی سیل ایجاد و آبها را تبدیل به هرزآب می‌کند. به مردم نمی‌گوییم این آب‌هایی که زندگی شما را نابود می‌کند، باید مدیریت می‌کردیم.» گذشته از مدیران حوزه آموزش محیط‌زیست، آموزش‌های مدارس و دانشگاه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد هستند که در شکل‌گیری این انگاره‌ها سهیم‌اند. گروه‌های خودجوشی که براساس مسئولیت مدنی شکل می‌گیرند و استقامت می‌گوید برای همان کاری که انجام می‌دهند هم باید به آنها آفرین گفت، اما «ما تشکل متخصص کم داریم و آنها بحث‌های مدیریتی و مشارکتی را نمی‌دانند. سازمان‌های مردم‌نهاد باید این حس مسئولیت مدنی و شهروندی را به مردم بدهند که شهروند خودش خم شود آشغالش را بردارد، ولی چون حمایت فنی نمی‌شوند و دانش ندارند، بیشتر به بحث زباله جمع کردن سمت و سو پیدا کرده‌اند.»

ما بازیافت را از کشورهای دیگر یاد گرفته‌ایم و آن را ترویج می‌کنیم، درحالی‌که کسی درباره کمتر مصرف کردن کار ترویجی انجام نمی‌دهد. به جای اینکه از مردم بخواهیم زباله نریزند یا از شهرداری‌ها بخواهیم سطل‌های زباله را در دسترس قرار دهند، خودمان زباله‌های مردم را جمع می‌کنیم، چون جمع‌کردن زباله، غذاخوردن به حیوانات خیابانی، گیاه‌خواری به علت جلوگیری از تولید گاز متان و شکستن تفنگ شکار از ما آدم‌های خوبی می‌سازد، درحالی‌که هیچ‌کدام از این انگاره‌ها قطعی نیستند و باید با توجه به واقعیت موجود روی زمین انجام شوند و اثرات‌شان در هر مورد خاص دیده شود. گاهی اجازه شکار برای ۱۰ حیوان، ۲هزار حیوان دیگر را نجات می‌دهد.

شادی خوشکار

خوابیدن یک شهروند در شورای شهر برای طلب ۳۹۰ میلیون ریالی

شهروند آشتانه‌ای در اعتراض به وصول نشدن طلب ۳۹۰ میلیون ریالی خود از شهرداری مرکز شهرستان مانه و سملقان، با گستردن رختخواب در دفتر شورای شهر خوابید.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایرنا، یک عضو شورای شهر آشتانه با تایید این مطلب گفت: این فرد پس از چندین نوبت رفت و آمد برای دریافت طلبش، وقتی از شهرداری ناامید شد با گستردن پتو و دراز کشیدن در شورای شهر، نارضایی خود را به نمایش گذارده و عکس آن را نیز در کانال های فضای مجازی به اشتراک گذاشت.

محمدرضا فرخنده افزود: این شهروند معترض پلیت فروش روغن ماشین به خودروهای شهرداری، از این نهاد طلبکار است اما علیرغم مراجعات بسیار تاکنون موفق به دریافت طلب خود نشده است.

وی اضافه کرد: البته وی از ۱۰ سال پیش بر سر واگذاری زمینی توسط شهرداری، در ورودی شهر آشتانه و در مجاورت جاده آسیایی، درگیر پرونده دیگری است که این مساله نیز می تواند یکی از دلایل این اقدام اعتراضی وی باشد.

شهر آشتانه، مرکز شهرستان ۱۱۰ هزار نفری مانه و سملقان در ۴۵ کیلومتری غرب بجنورد واقع است.

تلنگر

جهانِ پس از آتش‌سوزی استرالیا چگونه خواهد بود؟

درحالی این روزها چشم‌ها از گوشه گوشه دنیا نگران استرالیا و تنوع زیستی نابود شده در این کشور است که کارشناسان هشدار می‌دهند که استرالیا تنها یکی از نمونه‌های عواقب تغییر اقلیم است و اتفاقات پیش آمده در این کشور خسارتی جدی برای اکوسیستم کل دنیا به همراه دارد که در آینده اثرات آن بیشتر مشخص خواهد شد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، اقلیم استرالیا این روزها شکننده‌تر از هر نقطه دیگری از جهان شده است. طبیعت این کشور ماه‌ها در آتش سوخته است و یک میلیارد جانور جان خود را از دست دادند و پس از آن سیل و طوفان به جان این کشور افتاد. پرسشی که این روزها ذهن بسیاری از افراد را در جهان به خود مشغول کرده این است که علت این آتش‌سوزی‌های گسترده چیست و این حجم از خسارت به طبیعت چه تاثیری بر کل کره زمین می‌گذارد؟

محمودرضا مؤمنی - متخصص تغییر اقلیم و آلودگی هوا - درباره علت آتش‌سوزی‌های استرالیا به ایسنا توضیح می‌دهد: برای ایجاد آتش‌سوزی باید سه شرط سوخت، اکسیژن و یک منبع گرما - که به عنوان مثلث آتش شناخته می‌شوند - وجود داشته باشند. در این میان هر چه سوخت از جمله درختان، بوته‌ها، علف‌ها و حتی خانه‌ها بیشتر باشد شدت آتش‌سوزی نیز بیشتر خواهد شد. از سوی دیگر آتش‌سوزی برای گسترش نیاز به اکسیژن دارد که باد می‌تواند میزان اکسیژن و شدت آتش‌سوزی را افزایش دهد همچنین باد سبب گسترش آتش‌سوزی از یک مکان به مکان دیگر می‌شود که در نهایت گسترش سریع آتش‌سوزی را به دنبال دارد.

وی می‌افزاید: منبع گرما که می‌تواند خورشید، رعد و برق، روشن کردن آتش در طبیعت، کمپ‌ها، پرت کردن تعسیگار در طبیعت و باداهای داغ باشد، جرقه آتش را فراهم و پس از آن دمای سوخت را به‌اندازه کافی داغ می‌کند که به دنبال آن آتش‌سوزی آغاز می‌شود.

مومنی می‌گوید: شرایط آب و هوایی در رفتار آتش‌سوزی نقش دارد. برای مثال باد به همراه خود منبعی جدید از اکسیژن برای آتش‌سوزی دارد و سبب هدایت آتش به سمت سوخت جدید می‌شود. همچنین دمای گرم‌تر و رطوبت کمتر سوخت بیشتری برای آتش‌سوزی فراهم می‌کند.

این متخصص تغییر اقلیم و آلودگی هوا با بیان اینکه طی فصل تابستان در استرالیا مثلث آتش - سه مولفه لازم برای آتش‌سوزی - فراهم است، توضیح می‌دهد: در استرالیا گرمایش جهانی و تغییر اقلیم علت آتش‌سوزی نیست اما باید این نکته را در نظر داشت که گرمایش جهانی تعداد، مدت‌زمان و شدت این آتش‌سوزی‌ها را افزایش داده است.

۲۰۱۹ گرم‌ترین سال جهان در بخش‌هایی از جهان

از زمان آغاز انقلاب صنعتی تاکنون دمای زمین حدود یک درجه سانتیگراد گرم‌تر شده است همچنین سال ۲۰۱۹ گرم‌ترین سال جهان در بخش‌هایی از جهان اعلام شد به گفته مومنی کشور استرالیا نیز طی سال گذشته گرم‌ترین و خشک‌ترین سال خود را تجربه کرد. متوسط دما طی سال ۲۰۱۹ در کشور استرالیا ۱۵ درجه سانتیگراد بالاتر از متوسط دمای بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ گزارش شده است و علاوه بر این دما طی ماه گذشته در استرالیا ۴۹.۹ درجه سانتی‌گراد بود. تمامی این موارد نشان می‌دهد که تغییر اقلیم چقدر جدی و خطرناک است.

بر اساس آخرین گزارش‌ها تاکنون بیش از ۱۸۰ نفر در ایالات مختلف استرالیا با اتهامات مختلف مرتبط با آتش‌افروزی مواجه شده‌اند. مومنی معتقد است که عوامل انسانی از جمله روشن‌کردن آتش در طبیعت و پرت‌کردن تعسیگار در طبیعت می‌تواند از عوامل شروع این آتش‌سوزی‌ها باشد.

آتش‌سوزی‌های اخیر در استرالیا سبب از بین رفتن حدود یک میلیارد جانور شده و البته این آمار کماکان درحال افزایش است همچنین حدود ۲۱ میلیون جریب (معادل ۹ میلیون هکتار) زمین سوخته که وسعت آن به بزرگی کشور کره جنوبی است. علاوه بر این تاکنون ۲۵۰۰ خانه ویران شده و ۲۷ نفر نیز کشته شده‌اند.

نگرانی‌ها پس از آتش‌سوزی گسترده

این متخصص تغییر اقلیم و آلودگی هوا در ادامه به این موضوع اشاره می‌کند که در آتش‌سوزی‌های استرالیا برخی از گونه‌ها منقرض شده‌اند همچنین این نگرانی وجود دارد که برخی از پوشش‌های گیاهی نتوانند مجدد خود را احیا کنند و حیوانات قادر به سازگار شدن با مناطق جدیدی که به‌مآن فرار کرده‌اند و یا شرایط جدیدی که به وجود آمده است، نباشند این مسئله می‌تواند خسارتی جدی برای اکوسیستم کل دنیا باشد که در آینده اثرات آن بیشتر مشخص خواهد شد.

نخستین نشان‌های بین‌المللی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و به تبع آن جلوگیری از افزایش دمای زمین، طی سال ۲۰۱۵ و در کنفرانس تغییر اقلیم سازمان ملل متحد در پاریس آغاز شد بر اساس توافق ۱۹۵ کشور حاضر در این کنفرانس قرار شد که متوسط افزایش دمای زمین تا سال ۲۱۰۰ نسبت به قبل از انقلاب صنعتی محدود به دو درجه سانتیگراد شود و حتی تلاش‌ها برای آنکه متوسط افزایش دما به ۱.۵ درجه سانتیگراد برسد نیز ادامه پیدا کند.

مومنی می‌گوید: این یعنی تعداد، مدت‌زمان و شدت آتش‌سوزی‌ها را محدود به مقدار خاص کنیم و اجازه ندهیم که شدت خسارات از یک حد مشخصی بیشتر شود. اهمیت این موضوع برای بحث بحران اقلیمی و تاب‌آوری اقلیمی مهم است و بر اساس آن می‌توان برای آینده برنامه‌ریزی و هزینه خسارات را برآورد کرد. توافق پاریس کمک خواهد کرد که هزینه و میزان خسارات ناشی از آتش‌سوزی محدود به مقداری مشخص و بحران اقلیمی نیز مدیریت شود و سازگاری تدریجی نسبت به آن رخ دهد.

این متخصص تغییر اقلیم و آلودگی هوا در پایان تاکید می‌کند که کشور استرالیا یکی از نمونه‌های واضح عواقب تغییر اقلیم است که متاسفانه وارد فاز بحران اقلیمی شده و هزینه‌های سنگینی برای آن کشور و دنیا به بار آورده است. این آتش‌سوزی‌ها نشان داد که توافق پاریس از اهمیت بالایی برخوردار است و کشورهای دنیا بیش از گذشته باید به فکر اجرای تعهدات خود در این توافق‌نامه باشند.